

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: Y۴N۵۱۲۴۸۸۰۰۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

تجزیه و تحلیل مسائل زیست محیطی در پرتو حقوق بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

دکتر امیرحسین بقایی

چکیده

بحث در مورد حمایت از محیط زیست در حقوق بین الملل، موضوع نسبتاً جدیدی محسوب می شود. در واقع در همین قرن بیستم بود که انسان به اهمیت محیط زیست و پیوستگی تمام اجزای آن به یکدیگر پی برد. مسائل زیست محیطی ابعاد جهانی دارند. چنین موضوعی ایجاب نموده است که دولتهای جهان با یکدیگر همکاری نموده تا از جمله برای جلوگیری از اثرات نامطلوب اقلیمی ناشی از فعالیت های صنعتی و توسعه ای اقدام جدی به عمل آورند محیط زیست مورد حمایت حقوق بین الملل می تواند محیط زیست یک کشور، منابع طبیعی مشترک، یا موضوع منافع عمومی جهانی یا منابع فرادولتی باشد. اصول حفاظت از محیط زیست عمیقاً در وجدان عمومی بشر ریشه داشته و به تدریج به قواعد اساسی حقوق بین الملل عام تبدیل شده اند. محیط زیست متعلق به همه ملت های جهان بوده و بایستی توسط همه کشورهای جهان به شایستگی به نسل های آینده جهان انتقال یابد. از این رو حقوق بین الملل به طور فزاینده ای به مساله حفاظت از محیط زیست در داخل دولتها می پردازد. چرا که ماهیت واقعی حقوق بین الملل محیط زیست چنین چیزی را می طلبد. به دلیل اهمیت موضوع در این مقاله قصد داریم به تجزیه و تحلیل مسائل زیست محیطی در پرتو حقوق بین الملل بپردازیم.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل، محیط زیست، حاکمیت کشورها، مسئولیت

دولت ها، آلودگی محیط زیست



بخش اول: بررسی و شناخت اجمالی برخی اصول حمایت و حفاظت از

محیط زیست

هر چند در همه اسناد بین المللی راجع به حمایت و حفاظت از محیط زیست، هدفها روی بخش و موضوعات معینی دور می زند، اما تنظیم اصول عمومی مبنی بر موجودیت بخشیدن همه الزامات در یک اصل کلی یک استثناست. یکی از متون مشخص در مورد این اصل ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها سازمان ملل متحد است که می گوید: «دولتها متعهد هستند که از محیط زیست دریایی حمایت و محافظت نمایند». البته این التزام صرفاً مربوط به یک بخش از محیط زیست است. هر چند در بردارنده اصل کلی قابل توجه مبنی بر شمول همه مناطق دریایی است اعم از آن بخش از دریای سرزمینی که در انحصار صلاحیت دولت ساحلی است و آن قسمت از مناطق مشترک مانند دریاهای آزاد و یا حتی میراث مشترک بشریت مانند منابع کانی بستر دریا را شامل می شود. کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) در خصوص تنوع گونه های زیستی در ماده ۶، فهرست اقدامات کلی را که باید در جهت حفاظت و استفاده معقولانه از منابع زیستی اتخاذ شود، در بردارد. از آن جمله: راهبردهای توسعه معقولانه را در تکمیل طرح ها یا برنامه ها تا آنجا که امکانپذیر و مناسب باشد در جهت حمایت و استفاده معقولانه از تنوع گونه های زیستی در طرح ها، برنامه ها و سیاست های بخشی و فرابخشی به طور مناسب اعمال می کند. در حوزه های مختلف دیگر در چارچوب کنوانسیون ۱۹۹۲ تغییرات آب و هوایی در بند ۱ ماده ۳ اعلام می کند که: اعضا باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل های فعلی و آتی بشر مورد حمایت قرار دهند و در ماده ۴ تعهدات جزئی تری را برای طرفین پیمان معین می کند. تعریف رسمی از اصطلاحات حفاظت و نگهداری وجود ندارد، اما هر دو در ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها به کار رفته اند که به صراحت معنی شان با هم فرق می کند. آن چه از کلمه حفاظت می توان دریافت، در بردارنده یک اصل کلی است که شامل هر دو این تعبیر می شود؛ از جمله خودداری از اعمال زیان آور و اتخاذ اقدامات مثبت برای مراقبت در حدی که به خرابی محیط زیست منتهی نشود. در مفهوم عام حفاظت شامل طرح جامع اکولوژیکی و مدیریت مربوط به آن به انضمام قوانین پایه ای،



رویه ها و سازمان های ذیربط در مقیاس ملی می شود. آنچه از اصطلاح نگهداری تداعی می شود، مراقبت طولانی تر با در نظر گرفتن حقوق و منافع نسل های آینده است و این که برای چه اشخاصی باید از منابع طبیعی حفاظت شود. استراتژی حفاظت جهانی که در سال ۱۹۸۰ به وسیله «اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی جهان» مهیا شد، یک طرح عملیاتی را به حکومت ها توصیه می کند و برقراری اصل محافظت را بیان می کند که اهداف آن عبارت است از:

❖ بقای چرخه اکولوژیکی و پشتیبانی از سیستم حیات

❖ حفظ تنوع ژنتیکی

❖ دستیابی به بهره برداری از انواع گونه ها و اکوسیستم ها

بند اول: اصل جلوگیری^۱

ضوابط و مقررات زیست محیطی باید علل نابودی محیط زیست را پیش بینی کرده و از آن جلوگیری کنند. وقتی که تهدیدهای جدی و خساراتی غیر قابل جبران وجود دارد، عدم تشخیص کامل این تهدیدها نباید دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابط جلوگیری از تباهی زیست محیطی باشد. تجربه و عقیده متخصصان ثابت می کند که اصل جلوگیری برای محیط زیست چه از جنبه اکولوژیکی و چه از لحاظ اقتصادی به عنوان «قاعده طلایی» به حساب می آید. چون غالباً جبران آسیب های وارد شده به محیط زیست غیر ممکن است. این آسیب های جبران ناپذیر عبارتند از: انقراض گونه های جانوری و گیاهی، فرسایش خاک یا حتی تخلیه مواد آلوده کننده پر دوام در داخل دریا که وضعیت های غیر قابل برگشتی ایجاد می کنند. حتی اگر خسارت وارد شده قابل جبران باشد، هزینه های احیاء بسیار گران و پرهزینه است. به طور تقریبی همه اسناد حقوق بین الملل محیط زیست اصل جلوگیری از تخریب محیط زیست را به عنوان یک حقیقت، واقعیت بخشیده اند که بیشتر آنها راجع به آلودگی دریاها، آب های داخلی، هوا یا حفاظت از منابع زنده است و فقط تعداد کمی سند بین المللی، راه

^۱. prevention



های دیگر حفاظت محیط زیست از جمله اصل سنتی مسئولیت دولت در جهت همکاری مستقیم با قربانیان تجاوز به محیط زیست را مورد توجه قرار داده اند. اصل جلوگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن ارزیابی پیامدهای جوامانده از فعالیت های انجام یافته است. پیش از آغاز فعالیت یا طرحی که ممکن است آثار زیانبار زیست محیطی در خور توجه به بار آورد، باید آثار زیست محیطی که از اجرای طرح مذکور حاصل می شود، ارزیابی شود تا توسعه طرح، حداقل زیان های جانبی را داشته باشد و پایداری را تضمین کند. بنابراین ارزیابی زیست محیطی به منزله انجام دادن طرح ها و تدوین راهکارهای لازم برای کاهش زیان های جانبی حاصل از اجرای طرح ها کمک کرده و در مجموع امتیاز اجرای طرح را بیشتر می کند. مطابق ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها: «هر گاه دولت ها دلایلی منطقی در دست داشته باشند حاکی از این که فعالیت هایی که تحت صلاحیت یا نظارت آنها برنامه ریزی شده است، موجب آلودگی شدید محیط زیست دریایی گردد یا تغییرات اساسی و زیان آوری در آن به وجود آورده باشد، باید تا حدی که عملی باشد، اثرات بالقوه این فعالیت ها را بر محیط زیست ارزیابی کرده و گزارش های مربوط به نتایج این ارزیابی ها را برای اعضاء ارسال دارند». در اعلامیه ریو اصل ۱۷ تعریفی از ارزیابی آثار زیست محیطی را ارائه کرده است. اصل جلوگیری تکلیف می کند که هر دولتی در به کار گرفتن مقررات باید سعی کند که بر مبنای عمل منصفانه و به درستی و در جهت نظم عمومی، فعالیت های بخش خصوصی تحت قلمرو و نظارت وی، روی بخش محیط زیست زیان آور نباشد. اصل عدم سوء استفاده به عنوان یک وظیفه مطلق در جلوگیری از همه زیان ها تاکید دارد، اما الزامی که بر دولتها در جهت ممنوعیت فعالیت ها اشاره دارد، وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید در محیط زیست گردد. برای نمونه تخلیه فضولات سمی به داخل یک دریاچه بین المللی که بر اساس ضرر وارد شده از نتایج فعالیت های مجاز، باید به حداقل رسانده شود. یا بعنوان مثال اعمال محدودیت در مورد تخلیه دی اکسید سولفور در هوا موثر است.

بند دوم: اصل احتیاطی^۱

در جهت دستیابی به توسعه پایدار، سیاست‌ها باید بر اساس اصل عمل احتیاطی بنا شود. در زمانی که هنوز اصل جلوگیری آثار اساسی خود را بر کل مقررات حفاظت محیط زیست به جای نگذاشته بود، اصل احتیاطی مورد توجه قرار گرفت و بیش از آن توسعه یافت. این اصل را می‌توان از جمله ملاحظات و یکی از مهمترین ابتکارات ریو تلقی نمود. از جمله در اصل ۱۵ اعلامیه ریو گفته شده: به منظور حفظ محیط زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را بر اساس توانایی‌های خود مورد استفاده قرار دهند. اشاره به دولت‌ها، جهانی بودن شمول اجرای اصل را می‌رساند و توجه به توان هر دولتی، نشانگر مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌هاست. در بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی روند پیچیده مذاکرات منعکس شده است؛ طرف‌های معاهده بهتر است ضوابط احتیاطی را برای پیش‌بینی، جلوگیری یا به حداقل رساندن تغییرات آب و هوایی و کاهش آثار نامطلوب آن تهیه کنند که این ضوابط باید با کمترین هزینه ممکن به نفع همه جهانیان باشد. مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی اشاره می‌کند که فقدان قطعیت علمی کامل نباید به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابطی برای اجتناب یا به حداقل رساندن تهدیدات مهم در جهت کاهش تنوع زیستی بدون ارجاع به یک رهیافت احتیاطی استفاده شود. سوالی که در طول مذاکرات مربوط به کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه اوزن و کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در مورد این اصل مطرح شد، این بود که چه نوع خطری برای به بار آوردن مسئولیت پیشگیری از ضرر لازم است؟ پاسخ به این سوال می‌تواند از ابهام مفهوم عمل احتیاطی بکاهد. به نظر می‌رسد، اول این که ضرر باید مربوط به آینده و قابل پیش‌بینی باشد و نه فعلی و حتمی. در بررسی وقوع خطر، «قابلیت پیش‌بینی منطقی» و «اهمیت خطر» دو مؤلفه‌ای هستند که باید در اعمال اصل احتیاطی در نظر گرفته شود. نتیجه‌ای که از این اصل می‌توان گرفت این است که دولت‌ها تنها وقتی می‌توانند کاری انجام دهند که نشان دهند آن کار

^۱. precaution



سبب ورود ضرر غیر قابل قبول به محیط زیست نخواهد شد. هرچند این تفسیر و نتیجه گیری از اصل مورد بحث در جهت محدود کردن حاکمیت کشورهاست، اما بانک جهانی در ارزیابی طرح های مختلف برای «دادن وام» عملاً از آن پیروی کرده است. به همین ترتیب از این اصل حتی در مورد خسارت غیر قابل اثبات زیست محیطی مثل ایجاد شکاف در لایه اوزن فقط با استناد به اهمیت خطر، می توان خواستار اقدامات جبرانی شد و بار اثبات بی خطر بودن فعالیت را به عهده طرف مقابل (مدعی علیه) نهاد. به عنوان مثال در مساله باران اسیدی آمریکای شمالی، به هنگامی که کانادا پیشنهاد کرد که ایالات متحده طبق حقوق بین الملل اقدامات جبرانی انجام دهد، دولت ایالات متحده از «عدم تشخیص علمی» به اضافه «قابل رفع بودن» انتشار آلودگی به عنوان دلایلی برای رد درخواست کانادا استفاده کرد.

بند سوم: اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده کننده محیط زیست

بر اساس این اصل هزینه رفع آلودگی باید از سوی آلوده کننده آن پرداخت شود. این اصل از یک سو حق دیگران در برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می شناسد و از سوی دیگر نوعی اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از تخریب محیط زیست به شمار می رود. اصل الزام به پرداخت غرامت از سوی آلوده کننده محیط زیست بابت خسارت وارد شده، اولین بار از سوی سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه مطرح شد. امروزه این اصل در معاهدات و سایر اسناد مهم بین المللی و رویه قضایی مورد استناد قرار گرفته و به عرف بین المللی تبدیل شده است. اصل ۱۶ اعلامیه ریو با تاکید بر منافع عمومی و همچنین اشاره به این که اصولاً آلوده کننده محیط زیست باید هزینه های رفع آن را بپردازد، از دولت ها می خواهد تا اصل مذکور را مورد توجه قرار دهند. در فصل ۲۰ دستور کار ۲۱ نیز از دولت ها خواسته شده است تا در سیاست های داخلی خود به ویژه در ارتباط با زباله های خطرناک به این مساله توجه داشته باشند. این اصل از زمان طرح مسئولیت مدنی افراد در معاهدات بین المللی در خصوص حوادث هسته ای و نفتی که بر اساس آن افراد در برابر فعالیت هایی که منجر به تخریب محیط زیست می گردد، دارای مسئولیت مدنی می باشند، وارد حقوق بین الملل محیط زیست گردید؛

هرچند قبل از آن، این موضوع در احکام دیوان های بین المللی مورد استناد قرار گرفته بود. بر همین اساس دیوان داوری اسملتر، کانادا را به علت آلوده کردن محیط زیست آمریکا مسئول شناخت و اعلام داشت که آن کشور باید غرامت خسارت وارد شده به محیط زیست آمریکا را بپردازد. در مورد اخیر مسئولیت کانادا یک مسئولیت ناشی از خطر بود که ناشی از انجام فعالیت هایی است که در حقوق بین الملل منع نشده است و نه مسئولیت ناشی از خطا که نتیجه نقض یک تعهد الزام آور بین المللی مطرح می گردد. امروزه این نوع مسئولیت به یک قاعده عرفی بین المللی تبدیل شده است. در اجرای این اصل، شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مرجع صالح بین المللی در زمینه حفظ صلح و امنیت جهانی، عراق را به خاطر تخریب محیط زیست در جریان حمله به کویت مسئول دانست و آن کشور را موظف نمود تا غرامت خسارات وارد شده به محیط زیست کویت و سایر کشورهای همسایه، از جمله جمهوری اسلامی ایران را بپردازد و میزان خسارت وارد شده به محیط زیست منطقه از سوی کشورهای آسیب دیده، ارزیابی و به اطلاع کمیته غرامت شورای امنیت رسید، کمیته مذکور تاکنون بخشی از غرامات مربوط را پرداخت کرده است. سند^۱ (حقوقدان معروف آلمانی) معتقد است، با توجه به این که کشورهای توسعه یافته سهم اعظم تخریب محیط زیست جهانی را با ایجاد آلودگی ناشی از فعالیت های صنعتی بر عهده داشته اند، پذیرش اصل مسئولیت آلوده کننده به کشورهای در حال توسعه کمک می کند یک مبنای حقوقی دیگر برای مطالبه «قرض به طبیعت» در دست داشته باشند و اصل مسئولیت تاریخی کشورهای شمال را تحکیم بخشند.

بند چهارم: اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت ریشه در مفهوم میراث مشترک بشریت دارد و یکی از مظاهر خاص اصل انصاف در حقوق بین الملل است. این اصل تفاوت های تاریخی در سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مشکلات زیست محیطی جهانی و تواناییهای فنی و اقتصادی هر کدام برای حل مشکلات را مورد

^۱. Sand



توجه قرار می دهد. علی رغم مسئولیت مشترک کشورها در حفاظت از محیط زیست در سطح ملی، منطقه ای و جهانی، تفاوت های مهمی میان تعهدات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. اصل ۷ اعلامیه ريو اعلام می دارد که دولتها باید با روحیه مشارکت جهانی در نگهداری، حفاظت و احیاء سلامت و یکپارچگی اکوسیستم زمین با یکدیگر همکاری کنند. با توجه به سهم متفاوت دولتها در تخریب محیط زیست جهانی آنها مسئولیت های مشترک اما متفاوتی به عهده دارند. با توجه به فشار جوامع کشورهای توسعه یافته بر محیط زیست جهانی و تکنولوژی و منابع مالی که آنها در اختیار دارند، این دولتها بر مسئولیت خود در پیگیری توسعه پایدار تصدیق می کنند. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت از دو قسمت اصولاً متفاوت و در عین حال بهم وابسته تشکیل شده است: الف) مسئولیت مشترک و ب) مسئولیت یا تعهدات متفاوت. منظور از مسئولیت مشترک، مسئولیت پذیری کشورها برای حفظ محیط زیست یا قسمتی از آن در سطح ملی، منطقه ای و جهانی است. ویژگی فرامرزی محیط زیست حفظ آن را مستلزم مشارکت و همکاری تمام کشورها در اتخاذ اقداماتی برای حل مسائل و مشکلات زیست محیطی و حفظ منابع طبیعی می کند. این منابع می تواند به دنبال یک منفعت حقوقی مشترک ایجاد شوند، با این که تحت حاکمیت خاص هیچ کشوری نباشند. مفهوم مسئولیت مشترک از ماهیت منسجم و به هم وابسته کره زمین و قواعد حاکم بر منابعی که به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده اند، ناشی می شود. مفهوم اخیر در کنوانسیون سازمان ملل متحد در حقوق دریاها سال ۱۹۸۲ اهمیت پیدا کرد. در این کنوانسیون، مفهوم منطقه بین المللی اعماق دریاها، اقیانوسها، بستر و زیر بستر و منابع موجود در آن به عنوان میراث مشترک بشریت محسوب شدند (ماده ۱۳۶ کنوانسیون). مطابق ماده ۱۳۷ کنوانسیون، کل بشریت از تمامی حقوق موجود در منابع منطقه برخوردار هستند و کلیه فعالیت هایی که در منطقه انجام می شود، باید در راستای منافع بشریت مخصوصاً منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه و مردم سرزمینهای غیر خودمختار می باشد (ماده ۱۴۰). این مفهوم در کنوانسیون های متعددی از جمله «کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع زیستی» و «کنوانسیون ساختاری ملل متحد در خصوص



تغییرات آب و هوایی» به کار رفته است. کنوانسیون اخیر، آب و هوا و تنوع زیستی را به عنوان نگرانی مشترک بشریت و میراث مشترک بشر مورد شناسایی قرار داده است و تمامی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه در راه رسیدن به توسعه پایدار در حفظ این منابع مسئولیت مشترکی برای مشارکت فعال خواهند داشت. دستور کار ۲۱ در سال ۱۹۹۲ در این خصوص اظهار می دارد که اهمیت مشترک و سهم همه کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه در شکل گیری معاهدات در حوزه حقوق بین الملل در خصوص توسعه پایدار باید در نظر گرفته شود (بند ۱ ماده ۳۶). بسیاری از اسناد و توافقات بین المللی موجود در حوزه محیط زیست بدون مشارکت کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است؛ بنابراین سهم این کشورها برای انعکاس منافع و نگرانی های خود و تضمین حکمرانی متوازن نیازمند بازنگری است. برای نیل به این اهداف، دستور کار ۲۱ ضرورت حمایت از مشارکت فعال و موثر تمام کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه در مذاکرات، اجرا بازنگری اسناد و توافقات بین المللی را از طریق وضع مقررات مناسب، ارائه کمک های مالی و فنی و دیگر مکانیسم های موجود از جمله استفاده از تعهدات متفاوت را مورد شناسایی قرار می دهد (فقره ج بند ۳ ماده ۳۹). مجمع عمومی سازمان ملل کمک های مالی و داوطلبانه ای برای کشورهای در حال توسعه به منظور مشارکت کامل و مؤثر در کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص توسعه زیست محیطی (UNCED) و فرآیند های مقدماتی آن در نظر گرفت. کمک برای مشارکت فعال و موثر کشورهای در حال توسعه در فرایند مذاکرات کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲، کنوانسیون سازمان ملل در خصوص تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۴ و کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با بیابان زایی ۱۹۹۴ در کشورهایی که بیابان زایی یا خشکسالی را تجربه می کنند، نمونه های بارزی در این زمینه به شمار می روند. اگر چه این حمایتها در عمل ناکافی بودند، اما برای مذاکرات در خصوص مسائل زیست محیطی و منابع طبیعی ایجاد گامهای خوبی برداشته است. مسئولیت های متفاوت به تعهدات حقوقی متفاوت منجر می شود. این تفاوت یاد شده در تعهدات، معمولاً از طریق اجرای با تاخیر تعهدات، وضع تعهدات آسان تر، شناسایی استانداردهای متفاوت و تعهد به اعطای کمکهای بین المللی شامل کمک



های مالی و انتقال تکنولوژی محقق می شوند. کنوانسیون سازمان ملل در خصوص تغییرات آب و هوایی نمونه بارز و موفق کاری این مفهوم است؛ در این خصوص بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون بر پایه سهم تاریخی کشورهای توسعه یافته در ایجاد تغییرات آب و هوایی، مسئولیت های متفاوتی را در کاهش انتشار گازهای گلخانه ای نسبت به کشورهای در حال توسعه پیش بینی می کند. افزون بر این، کنوانسیون مقرراتی را برای ارائه کمک های مالی و انتقال تکنولوژی از طرف کشورهای صنعتی مقرر می دارد. پروتکل کیوتو برنامه های ابتکاری برای انجام پروژه های مشترک میان دولتهای در حال توسعه و توسعه یافته مقرر کرده است. مکانیسم توسعه پاک در پروتکل کیوتو از مصادیق برنامه های مذکور می باشد. برخی از کشورهای توسعه یافته مانند آمریکا از قبول مسئولیتی که بر پایه اصل انصاف متضمن تعهدات بین المللی متفاوتی باشد، سرباز زده و در نتیجه از امضای پروتکل کیوتو که دارای مقررات سختگیرانه تری برای کاهش انتشار است خودداری می کردند؛ این دولتها خواستار وضع تعهدات بیشتر برای کشورهای در حال توسعه بودند. اظهارات هیات نمایندگان ایالات متحده در ابراز دیدگاه آن دولت نسبت به اصل ۷ اعلامیه ریو قابل توجه است: «ایالات متحده آمریکا اصل ۷ اعلامیه ریو که نقش رهبری کشورهای توسعه یافته به دلیل توسعه صنعتی و تجربیات کافی در حفاظت از محیط زیست و تواناییهای فنی و اقتصادی را برجسته می کند، مورد تصدیق قرار می دهد اما این تفسیر از اصل ۷ را که متضمن شناسایی یا قبول تعهدات بین المللی برای ایالات متحده آمریکا یا هرگونه کاهش مسئولیت کشورهای در حال توسعه باشد را نمی پذیرد». در واقع آمریکا اصل ۷ را می پذیرد، اما در عین حال خواستار وضع تعهدات سختگیرانه تر برای کشورهای در حال توسعه بزرگ همانند هند و چین است. برخی از کشورهای توسعه یافته نیز فشار جوامع خود را بر محیط زیست جهانی انکار می کنند، امری که به لحاظ تاریخی غیر قابل انکار به نظر می رسد. به علاوه در خصوص حفاظت از محیط زیست، ظرفیت های واقعی کشورهای در حال توسعه امر تعیین کننده ای داشت.

بخش دوم: مفهوم و جایگاه خسارات زیست محیطی

اصطلاح «محیط زیست»^۱ از آغاز دهه ۱۹۶۰ کاربرد وسیعی پیدا کرده است. اصطلاح بیوسفر^۲ یا لایه حیاتی که یونسکو^۳ خصوصاً آن را به کار می برد، با یکی از وسیع ترین تعاریف مطابقت دارد که عبارت است از محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن استمرار دارد.^۴ «بیوسفر» شامل زمین و هزاران متر بالا و عمق زمین و اقیانوس ها است. تعاریف گوناگون از محیط زیست، در متون حقوق داخلی و اسناد بین المللی ارائه شده است که از آن جمله، متن حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ می باشد که در تعریف محیط زیست چنین می گوید: «محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می گردد.» تعریف دیگری با جامعیت بیشتر درباره محیط زیست در کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست، مورد استفاده قرار گرفته است که طرح پیشنهادی آن را شورای اروپا در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۹۳ در لوگانو^۵ به تصویب رسانده است. براساس ماده ۲ کنوانسیون مذکور، محیط زیست شامل بخش های زیر می شود که باید در برابر خرابی حراست شوند:

- ❖ منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و غیر قابل تجدید مانند؛ هوا، آب، خاک و کلیه جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر؛
- ❖ اموال و داراییهایی که جزو میراث فرهنگی می باشند؛
- ❖ و مناظر و چشم اندازهای ویژه

همچنین در تعریف زیان های زیست محیطی آمده است: خساراتی که بر اشخاص یا اشیاء از طریق محیط زیستی وارد می شود، که در آن زندگی می کنند. در این جا محیط زیست، منبع خسارات است، نه زیان دیده. برخی دیگر براین

^۱. Environment

^۲. Biospher

^۳. UNESCO

^۴. برنامه یونسکو در رابطه بشر و بیوسفر، یونسکو، ۱۹۸۸

^۵. Lugano



باورند که این خسارات، ناشی از آلودگی است و مرتبط با همه خساراتی است که در کاهش عناصر طبیعی (آب، هوا، صدا) دخیل است. نتایج زیانبار آسیب های زیست محیطی برگشت ناپذیر است؛ آلودگی اثر مشترک و جمعی دارد، آلودگی افزوده می شود و با سایر علل جمع شده و در مدت طولانی وارد زنجیره غذایی می شود و فاجعه به بار می آورد؛ خسارات زیست محیطی آثاری فراتر از زیان به همسایگان دارد؛ ممکن است به صورت جمعی وارد شده و اسباب متعددی داشته باشد و یا اینکه آثار جمعی داشته باشد؛ و رابطه سببیت در خسارات زیست محیطی بسیار دشوار است. آلودگی آب، نمونه بارزی از مشکلات محیط زیست بین المللی است. رودها و آبگیرهای مهم مشترک که اغلب به عنوان منابع طبیعی تقسیم شده بین دو یا چند کشور می باشند و مسائل مربوط به کیفیت آب های مشترک و کمیت آنها، می تواند برخوردهایی را در روابط بین المللی ایجاد کند. نه فقط آب آشامیدنی، بلکه اقیانوس ها، هوا و به طور کلی محیط زیست اموری فرامرزی محسوب می شوند. از نظر مقررات قانونی، در اصول قانون اساسی ایران صریحاً حق بر محیط زیست، به رسمیت شناخته شده است؛ چنان که اصل پنجاهم این قانون اعلام می کند: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». معاهده اتحادیه اروپا نیز که در سال ۱۹۹۳ در شهر ماستریخت امضاء شد، مقرر می کند: سیاست زیست محیطی اروپا «بر پایه اصل احتیاط و اصل ضروری بودن اتخاذ اقدام پیشگیرانه است، که خسارات زیست محیطی به عنوان یک اولویت بایستی مد نظر قرار گیرد.» به سفارش اتحادیه اروپا، کشورها بایستی چهار شرط را در اجرای سیاست های زیست محیطی مدنظر داشته باشند : ۱- اطلاعات علمی موجود؛ ۲- شرایط محلی؛ ۳- منافع و هزینه های بالقوه؛ ۴- توسعه اقتصادی و اجتماعی. بنابراین، یک سری متون حقوقی اعم از داخلی و بین المللی ضرورت مبرم حفاظت از محیط زیست را از پایان دهه ۱۹۶۰ به رسمیت شناختند. از میان متون بین المللی که اغلب مبنای حقوق داخلی، در جهت

حفاظت محیط زیست شدند، اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم است که نقش اصلی را در این خصوص بازی کرده است. در این اعلامیه آمده است: حمایت از محیط زیست انسان و بهبود آن، موضوع مهمی است که بر رفاه افراد بشر و توسعه اقتصادی در سراسر جهان، اثر می گذارند^۱. انسان از یک طرف، قابلیت ذاتی تغییر شکل دادن و همچنین امکان بالا بردن کیفیت زندگی خود و دیگران را دارد و از طرف دیگر، می تواند خاطیانه و غیر مسئولانه با عملکرد خود، ضرر غیر قابل جبرانی را به افراد و محیط زیست وارد کند.

بخش سوم: عناصر تشکیل دهنده مسئولیت ناشی از خسارات محیط زیستی

تخلف از یک وظیفه قانونی زیست محیطی، حتی بدون اینکه ضرر قابل اندازه گیری همراه داشته باشد، نتیجه اش می تواند پرداخت جرائم یا جبران خسارات باشد. مفهوم مسئولیت مدنی به طور کلی به ضرر یا خسارات واقع شده از چیزی اشاره دارد. به طور معمول دعاوی به وسیله آنهايي که خود یا اموالشان خسارت دیده اند، آغاز می شوند و با طرح آنها درصدد توقف ضرر بیشتر و راه های جبران آن بر می آیند. مسئولیت بیش از همه اغلب متوجه مالک اصلی یا مدیر یک منبع آلودگی می باشد. در تمام دعاویی که نسبت به کسی ادعای مسئولیت آسیب زیست محیطی طرح می شود، اولین دلیل مورد نیاز وجود رابطه علیت بین عمل شخص یا شرکت و ضرر و خسارات واقع شده می باشد. گاهی ممکن است آسیب وارده از چندین منبع باشد، یعنی آلودگی ناشی از اثر جمعی بطور یکجا یا به طور همزمان پیش آید، یا آنکه از عمل غیر مستقیم باشد. به طور کلی برای مسئولیت مدنی، اهداف ذیل را می توان قایل بود: نخست، در خصوص زیان دیده بایستی خسارات متحمل شده، جبران شود؛ دوم، در خصوص عامل زیان، بایستی به خاطر عمل ناروا مجازات شود؛ سوم، در خصوص جامعه، ۱- سبب بازدارنگی عاملین بالقوه زیان شود؛ ۲- سبب ارتقای اهداف اقتصادی مانند درونی کردن هزینه ها و توزیع ضرر شود. با وجود این، هدف اولیه نظام مسئولیت مدنی، توسعه عدالت و نظام کارآمد جبران خساراتی است که وارد شده است و نباید آن را در زمینه

۱. بند ۲ مقدمه اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲



خسارات زیست محیطی با تلاش برای مجازات عاملان زیان یا کاهش آلودگی پیچیده نمود. در نتیجه، مسئولیت زیست محیطی باید در قالب سه رکن سنتی آن یعنی، عمل زیان بار، ورود زیان و رابطه سببیت بررسی گردد. درخصوص عمل زیانبار باید گفت عمل زیانبار ممکن است از طریق یک شخص خصوصی (حقوقی یا حقیقی) یا یک شخص عمومی تحقق یابد. اما قوانین معمولاً از «عامل»^۱ با موسساتی که به فعالیت های مضر می پردازند، نام می برند. در تعریف عامل می توان گفت: کسی است که بر فعالیت زیانبار، نظارت عملی مستقیم و موثر دارد و فعالیت حرفه ای را اجرا می کند. عامل ها به موجب رهنمود سال ۲۰۰۴ اتحادیه اروپا، دو تعهد برعهده دارند: نخست، تکلیف اولیه تعهد به فعل است و به این معناست، در صورتی که خطر قریب الوقوع ورود خسارات وجود دارد، بایستی بلافاصله اقدام پیشگیرانه انجام دهد و در صورت امکان نداشتن آن باید جوانب امر را به اطلاع مقام صالح برسانند. دوم، تکلیف ثانویه متحمل شدن خسارات که در صورت ورود زیان، بایستی به مقام صالح اطلاع دهد، آلودگی را مهار کرده یا کاهش دهد و نیز خسارات وارده را جبران کند. در این خصوص می توان به قضیه ترایل اسملتر اشاره کرد. داوری دعوای مشهور «داوری ترایل اسملتر»^۲ به وسیله یک موافقتنامه دو جانبه بین دو طرف درگیر، کانادا و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۳۵ تشکیل شد. در سال ۱۹۳۸، دادگاه داوری در یک رأی تاریخی که متضمن مطالبه غرامت برای خسارات ناشی از آلودگی هوایی فرامرزی بود، دکترونی را اعلام داشت که به عنوان یک اصل کلاسیک حقوق بین المللی محیط زیست تلقی شده است: «هیچ کشوری حق ندارد از قلمرو خود به گونه ای استفاده نماید یا اجازه استفاده دهد که باعث ایراد صدمه... به قلمرو کشور دیگری شود...» بنابراین، دادگاه داوری، کانادا را مسئول صدمه ای دانست که کارخانه کانادایی ایجاد کرده بود و حکم به پرداخت غرامت به نفع ایالات متحده آمریکا داد. مبنای تعهد جلوگیری یا رفع آلودگی در این مورد بر این اصل استوار است که هیچ دولتی

^۱-Operator

^۲-Trail smelter arbitration



نمی‌تواند اجازه دهد، سرزمینش به‌نحوی مورد استفاده واقع شود که سبب وارد آمدن زیان اساسی به دیگر کشورها گردد. در نتیجه بسیاری بر آن شده‌اند که این یک اصل اساسی حقوق بین‌المللی عرفی است که کشورها به محیط زیست و رای صلاحیت ملی خود زیان، خسارت یا صدمه وارد نکنند. مضافاً به اینکه چنین ممنوعیتی از اصول کلی‌تر حقوق بین‌المللی مثل اصل تمامیت ارضی دولت‌ها، حسن همجواری و اصل بهره‌برداری منصفانه نیز قابل استنباط است. علاوه بر قضیه تراپیل اسملتر، مورد دیگر مربوط به قطعنامه ۴۹/۷۵ مجمع عمومی، مورخ ۶ ژوئن ۱۹۹۵ است که به موجب بند ۱ ماده ۹۶ منشور، از دیوان بین‌المللی دادگستری خواسته شد تا نظر مشورتی خود را در مورد مسأله زیر ارائه دهد:

«آیا تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در هر شرایطی به موجب حقوق بین‌المللی مجاز است؟ لازم به یاد آوری است که در این زمان مسأله مطرح شده هیچ اشاره صریحی به تاثیر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بر محیط زیست نداشت. اما در اثنای رسیدگی، کشورهای شاکی به برخی از معاهدات بین‌المللی یا اسناد دیگری از جمله پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹- پروتکل اول - استناد کردند و استدلال‌شان هم این بود که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به موجب این اسناد از حیث توجه آنها به حمایت و حفاظت از محیط زیست غیر قانونی خواهد بود. دیوان مشخصاً در نظریه خود به سه سند حقوقی که مورد نظر این کشورها بود، به شرح زیر اشاره کرد:

❖ بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ که به کار بستن «روش‌ها یا ابزار جنگی را ممنوع می‌سازد که هدف آنها ایراد صدمه گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست طبیعی می‌باشد»؛

❖ ماده ۱ کنوانسیون راجع به ممنوعیت هر گونه استفاده نظامی یا استفاده دیگری از فنون تغییر محیط زیست (مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۷۶) که استفاده از سلاح‌هایی را ممنوع می‌سازد که دارای «آثار گسترده، پایدار و شدید» بر محیط زیست هستند؛

❖ اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) و اصل ۲ اعلامیه ریو (۱۹۹۲) که باور



مشترک کشورهای مربوط را بیان می کند، مبنی بر این که آنها تکلیف دارند تا «تضمین نمایند که فعالیت های تحت صلاحیت یا کنترل آنها سبب ایراد صدمه زیست محیطی به دیگر کشورها یا مناطق خارج از مرزهای صلاحیت محلی نمی شود»

بخش چهارم: مسئولیت محض برای خسارات زیست محیطی

مفهوم مسئولیت محض برای خسارات زیست محیطی به چه معناست؟ مسئولیت محض غالباً واکنشی به فجایع بزرگ است و مرتبط با خطرهایی است که افراد (جدا از این که احتمالاً به چه صورت رخ دهند) قویاً از آن هراس دارند و نیز برای این است که دولت، خطری همانند حوادث هسته ای را جدی پنداشته است. رهنمود سال ۲۰۰۴ شورای اروپا، در زمینه مسئولیت ناشی از فعالیت های زیست محیطی، برای بهره برداران فعالیت های حرفه ای که در ضمیمه سوم آن نام برده شده (خواه فعالیت خطرناک از ویژگی خطرناک آن ناشی شود یا خیر)، مسئولیت محض قایل شده است و نسبت به سایر فعالیت ها مسئولیت ناشی از تقصیر را پذیرفته است. فعالیت های حرفه ای، «هر فعالیتی است که در جریان یک فعالیت اقتصادی یا تجاری یا یک بنگاه تحقق می یابد؛ خواه خصوصی یا عمومی، خواه انتفاعی یا غیر آن باشد». این فعالیت ها استثنائاتی نیز دارند، از جمله آنهایی که در جهت دفاع ملی یا امنیت بین المللی باشد یا فعالیتهایی که هدف از آن حفاظت در قبال حوادث طبیعی برخاسته از فعالیت های هسته ای باشد، در قالب چنین مسئولیتی قرار نمی گیرند. در خصوص این که مسئولیت، مربوط به فعالیت خطرناک باشد یا فعالیتی که بالقوه ممکن است زیان زیست محیطی به بار آورد، در میان کشورها اختلاف است و اتفاق نظری وجود ندارد. در اینجا نظرها و استدلال موافقان و مخالفان پذیرش مسئولیت محض برای عامل زیان زیست محیطی را مورد اشاره قرار می دهیم؛ موافقان دلایل عمده ای را برای آن ذکر می کنند. آنان می گویند که برای مدعی یا خواهان مشکل است تا تقصیر عامل خسارات زیست محیطی را اثبات کند. علاوه براین، کسی که فعالیت ذاتاً خطرناک را انجام می دهد، بایستی خطر جبران خسارت آن را نیز متحمل شود. ادله دیگر موافقان، مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارای این مشکل اساسی است که متصدی را



ملزوم به پرداخت هزینه های کامل عمل خویش نمی نماید. در مقابل، نفع عمده مسئولیت محض، تبعیت از معیار مراقبت^۱ است که متصدی را از مسئولیت رها نمی سازد و بنابراین، مجبور است تا زیان زیست محیطی را هزینه تولید خویش بداند و برای افزایش کارآمدی آن تلاش نماید. به کارگیری مسئولیت محض برای عامل زیان زیست محیطی، علاوه بر این که سبب رفع دشواری اثبات تقصیر می شود، اجرای سیاست های اصول حفاظت از محیط زیست را می تواند بهتر تأمین نماید. در قسمت دوم، مخالفان نیز اعتقادهایی را هم بر پذیرش مسئولیت محض ایراد می کنند که می تواند محل تأمل و مهم باشند؛ منتقدان می گویند یافتن مستندات مسئولیت محض، بسیار دشوار است. نمی توان با اظهارات ساده و کلی گفت که مسئولیت محض اثر بازدارندگی بیشتری نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد. در واقع، دلیل تجربی وجود ندارد که بیان کند، برقراری این نظام منجر به نتیجه فوری و عینی می شود. از این گذشته، مفهوم اعمال فوق العاده خطرناک، بیشتر وابسته به طرز رفتار با آن است تا ماهیت ذاتی آن. همچنین چرا تنها باید به این دلیل که رفتاری خطرناک است، برای آن مسئولیت محض و نه تقصیر، قایل باشیم. به علاوه، بیشتر اعمال بشری در جهت انتفاع صورت می گیرد و نایبستی به خاطر نفع عامل زیان، برای او مسئولیت قایل باشیم. در خصوص نتیجه گیری از تقابل استدلال موافقان و مخالفان چنین می توان بیان داشت؛ در صورتی که نظام مسئولیت محض بر نوع زیان و نه بر نوع فعالیت بار شود، سبب ابهام شده و تعیین موارد اعمال معیار دشوار است. همچنین، اگر نظام خاصی برای مسئولیت های جدید به وجود آید، در مسئولیت مدنی ناهماهنگی و بی عدالتی به وجود می آید؛ مثلاً در حالی که تولید کالای معیوب دارای مسئولیت محض است، ممکن است طراح همان کالا مسئولیت مبتنی بر تقصیر داشته باشد و بی عدالتی همچنان باقی باشد. به هر حال، حتی اگر دلایل سیاسی یا روانشناختی وجود داشته باشد که با زیان های زیست محیطی به طور متفاوت برخورد کنیم، دلیل عادلانه یا حقوقی وجود ندارد که معیار مسئولیت برای زیان های زیست محیطی

^۱ - Standard of care



به انسان را جدا از معیاری بگیریم که مثلاً وسایل نقلیه دارند. بنابراین، بایستی با عنایت به ماهیت زبان، مسئولیت منطبق با آن اعمال کنیم. با وجود این، در حقوق ایران، برای زیان زیست محیطی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر را پذیرفته است (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی)^۱؛ مگر در صورت وجود مقررات دیگری، همانند قوانین داخلی یا معاهدات بین المللی که با تصویب آن مطابق ماده ۹ قانون مدنی^۲ در ایران لازم الاجرا شناخته شده باشند.

بخش پنجم: شیوه های جبران خسارات زیست محیطی

علی رغم تمامی تلاش های بازدارنده، وقوع آسیب زیست محیطی اجتناب ناپذیر است که گاهی ناشی از بی مبالاتی رفتار و گاهی در اثر حادثه ناگهانی است. برای جلوگیری از رفتار غیر قانونی و جبران خسارت تلافیاتی که رخ می نماید، حقوق باید حکم مقتضی را نسبت به دعاوی صادر و وسایل جبران خسارات را تعیین تکلیف کند. در اتخاذ تصمیمات و اجرای قواعد، لازم است که موضوعاتی از قبیل حد ضرر قابل قبول، نوع خسارتی که می تواند راهنمای اقدام قانونی باشد، چه مجوزی موجب تحریک عمل، چه دادگاه یا محکمه ای صلاحیتدار است، یا چه دستورهای مقتضی است، ضمانت اجراهای آن چیست یا جبران خسارت چگونه باشد، پیش بینی شود. حقوق بین المللی محیط زیست در این خصوص از دولت ها می خواهد تا در نظام حقوق داخلی خود با اتخاذ اقدام مناسب، قوانین لازم الاجرائی را در چارچوب پشتیبانی از تعهدات بین المللی وضع کنند. اصل ۱۳ اعلامیه ریو در این رابطه می گوید: «دولت ها باید قوانین ملی را به منظور تعقیب عادلانه آلودگی محیط زیست و قربانیان این آلودگی تدوین کنند. بعلاوه، دولت ها باید به سرعت و با قاطعیت جهت تنظیم یک سری قوانین بین المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند

^۱ ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷:

«هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد».

^۲ ماده (۹) قانون مدنی:

«مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است».



و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می آورند، باشند.» خسارات بین المللی موجود در اثر آسیب های زیست محیطی بین المللی قابل جبران می باشند. شیوه های اجرایی هر کشوری، می تواند شامل دعاوی مدنی، دادخواهی های اداری و تعقیب کیفری اشخاصی که متخلف از قواعد و استانداردهای حقوق محیط زیست می باشند، گردد؛ قوانین مزبور ممکن است همچنین به موجب مسئولیت بدون تقصیر برای فعالیت های فوق خطرناک تحمیل گردد. برخی معاهدات الزامات ویژه ای را به اجرای تدبیر ملی تصریح می کنند. برخی اسناد مانند کنوانسیون راجع به محیط زیست دریای منطقه جنوب شرقی اقیانوس آرام در ماده ۱۱، کنوانسیون ۱۹۶۰ مسئولیت هسته ای در ماده ۳ و کنوانسیون ۱۹۶۹ مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی نفتی در ماده ۳ خواهان یک رژیم مسئولیت مدنی است و دولت ها را متوجه مسئولیت آن اعم از «آلوده ساز» یا مدیر عامل یا مالک آن کارخانه می نمایند. برخی موافقتنامه های دریاهای منطقه ای موضوع مسئولیت مدنی با مسئولیت بین المللی دولت را در کنار هم مطرح می کنند (از جمله ماده کنوانسیون های ۱۹۷۸ کویت، ۱۹۸۷ جده). برخی از موافقتنامه های دیگر فقط به موضوع مسئولیت دولت ارجاع می دهند. به عنوان مثال ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد^۱. برخی دیگر خواستار کاربرد بازرسی و تحقیق توسط دولت در جهت اطمینان از لحاظ رعایت قوانین بین المللی است به عنوان مثال کنوانسیون بین المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی ها^۲ سال ۱۹۷۳-۷۸ در ماده ۴ جرایم پیش بینی شده را شامل موارد زیر می داند:

۱. هر مورد تخلف از مقررات این کنوانسیون باید ممنوع شده و وقوع تخلف در هر جا که مطابق مقررات کنوانسیون مزبور از سوی مدیریت اداری ذیربط محرز شده باشد، کشتی متخلف باید جریمه شود. چنانچه مدیریت مربوط بر اساس مدارک و دلایل کافی از وقوع اینگونه تخلف آگاه شود، با

^۱. ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲: «دولت ها در ازای ایفای تعهدات بین المللی شان برای حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا مسئول می باشند. آنها بر طبق حقوق بین المللی ضامن خواهند بود».

^۲. MARPOL



دسترسی به سوابق امر می تواند نسبت به مورد تخلف، مدعی شده و صلاحیت دارد که هرچه زودتر در جهت رعایت قوانین مربوط اتخاذ تصمیم کند.

۲. تخلف از مقررات این کنوانسیون در داخل قلمرو قضایی هر عضو این کنوانسیون باید بر اساس و مطابق مقررات آن قدغن شده و نسبت به تخلف محرز شده، جریمه اخذ شود. براساس مجازات های تعیین شده در مقررات کنوانسیون حاضر، هر عضوی مطابق ماده مزبور باید با سخت گیری، مانع از وقوع تخلفات از این کنوانسیون شود و بطور یکسان قطع نظر از آن که تخلف در کجا اتفاق افتاده، جدی گرفته شود.

راه حل زبان برون مرزی که به طور معمول در میان دولت ها حادث می شود، اقدام بین المللی بر اساس دکترین های مسئولیت یا تعهد دولت است. نظریه مسئولیت دولت تکلیفی را به دولتی که نقض یک تعهد بین المللی را کرده است به جبران ضرر وارده به دولت دیگر تحمیل می کند. این مسئولیت بر مبنای نظریه تقصیر می باشد و ممکن است مشخص شود که ضرر ناشی از آن از اجرای قانون است که در این صورت بر مبنای نظریه بدون تقصیر عمل خواهد شد. در حقوق بین الملل مفهوم اخیر را می توان در خصوص موارد اصل پرداخت آلوده ساز مشاهده کرد که مقرر می دارد که مدیر یا ذینفع از منافع یک فعالیت مجاز، مسئول جبران خسارت وارده ناشی از آسیب به دیگران می باشد. با این همه، شیوه های جبران خسارات موجود در حقوق خصوصی، برای اعمال بالقوه خطرناک، مسئولیت قایل نیست. در این جا می توان خسارات به منافع طبیعی را به عنوان نوعی مالیات بر «مصرف محیط زیست» به دولت تلقی کرد. چرا که دریافت خسارات زیست محیطی به طریق مسئولیت مدنی هزینه های بیشتری نسبت به جریمه نقدی یا مالیات دارد. برخی کشورها نیز بر آلاینده ها، مالیات مقرر کرده اند؛ مانند قانونی مربوط به آلودگی هوا در هلند از سال ۱۹۷۲ و قانون مربوط به خسارات محیط زیست آمریکا از سال ۱۹۸۰ و قانون ۵ اکتبر ۱۹۷۳ کشور ژاپن؛ در این قوانین، مگر در موارد خطر عمده یا بیماریهای خاص، جبران خسارات بطور کامل پذیرفته نشده است. در خصوص بیمه خسارات زیست محیطی نیز باید گفت



در بیشتر بیمه نامه ها شرطی وجود دارد که بر پایه آن مسئولیت ناشی از آلودگی محیط زیست از قلمرو شمول بیمه مسئولیت خارج است و خود بیمه شده باید خسارات ناشی از آن را جبران کند. توضیح این که برخی شرکت های بیمه به علت مشکل خطرهای دامنه دار، عموماً مسئولیت زیست محیطی را بیمه نمی کنند، مگر خیاراتی که به صورت ناگهانی اتفاقی رخ دهد؛ آن هم عموماً مربوط به دوره ای کوتاه و نتایج سریع حادثه است و خساراتی که تدریجی و در طی دوره زمانی بلندی رخ می دهد، در این دسته قرار نمی گیرند. سبب اصلی آن این است که وقتی شرکت های بیمه نتوانند خطر را محاسبه کنند، نمی توانند آن را از نظر مالی تضمین کنند. این موضوع، از جمله مواردی است که نشانگر نظام خاص بیمه، برای جبران خسارات زیست محیطی است. در بسیاری از دعاوی، تعیین میزان خسارات بر پایه از دست رفتن کاربرد منابع طبیعی و هزینه اعاده کاربرد آن است. زیرا ممکن است دادگاه بر هزینه های پاکسازی همانند سایر موارد مسئولیت مدنی، مثل بازگرداندن وضعیت اولیه یک ملک و... نیز حکم دهد؛ البته در خصوص چرخه حیات، این امری دشوار و بسیار طولانی است، ولی به خودی خود سبب ایجاد نظام خاص در مسئولیت مدنی نیست. در ادامه می توان گفت، چه مسئولیت مطلق (بدون تقصیر) باشد چه با تقصیر، راه های جبران خسارت ممکن است شامل جریمه کردن، توقیف کردن وسایل و ماشین آلات، بستن تأسیسات، ممنوعیت اشتغال به حرفه یا فعالیتی و محروم کردن یک شرکت یا فرد از حق رقابت عمومی باشد. در اینجا همچنین یک التزام به بهبود محیط زیست وجود خواهد داشت که به وسیله دولت اتخاذ و به حساب شرکت گذاشته می شود و چنانچه شرکت قصور ورزد، به انجام آن تکلیف خواهد شد. جرایم دیگر می تواند شامل لغو قرارداد از سوی دولت و یا در لیست سیاه قراردادان فرآورده های زیان رسان باشد. موسسات قرضه ممکن است وام درخواستی یا سایر منافع پروژه هایی را که در اعمال استانداردهای زیست محیطی قصور کرده اند، رد کنند یا ممکن است این گونه پروژه ها در برنامه زمانبندی شده برای استقرار در مناطق، به کیفیت واقعی نائل نشوند. برای مثال بانک سرمایه گذاری اروپایی می تواند پروژه هایی را برای حوزه جامعه اروپا به کیفیت واقعی هوا نایل نمی شوند، رد کند.



سرانجام باید گفت که در بسیاری از موارد راه های جبران خسارت بر محیط زیست که ذکر آنها رفت، برای مناطقی که تحت مالکیت مشترک قرار دارند؛ اما قابل تملک نیستند، چندان کاربردی نداشته اند (مانند دریا های آزاد و فضای ماورای جو). زیرا ارزیابی یا تخمین خسارت به منظور تعیین میزان غرامت همچنان متضمن پرسش های مهم از جمله آستانه خطر یا پایین تر از حد خطر، نزدیکی خطر، بویژه از بعد زمانی و مکانی، عملیات چند مولفه ای و نهایتاً احتمال تغییر ناپذیری ضرر ناشی از آن می باشد. نکته اخیر چیزی است که تا حد زیادی در حقوق نادیده انگاشته شده است. برقراری نظام حقوقی مناسب، به ویژه در زمینه مسئولیت مدنی و هماهنگ ساختن توسعه بیشتر با آسیب کمتر به محیط زیست، از مهم ترین وظایف کسانی است که از جنبه های حقوقی به مطالعات زیست محیطی می پردازند.

توجه حقوق بین الملل محیط زیست به ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در اجرای قواعد حقوق بین الملل محیط زیست، موجب گردیده محیط زیست به عنوان بخشی مهم از فرایند توسعه پایدار درآمد و تاکید بیشتری بر لزوم هماهنگی «توسعه و محیط زیست» در میان اسناد و بیانیه های سازمان ملل متحد شود. الزام و اقتدار قواعد و مقررات حقوق بین الملل محیط زیست، از معاهدات بین المللی، عرف بین الملل و اصول کلی حقوق کسب می شود. هنوز کنوانسیون جامع درباره توسعه پایدار وجود ندارد و این اصول که عمدتاً از عرف بین الملل وارد متون نوشته و قراردادی شده اند، به نحوی تمام اعضای جامعه بین الملل را متعهد و ملزم می کنند. با اینکه درجه الزام آوری آن ها متفاوت است، اما باید به آنها در یک مجموعه یکپارچه نگریسته شود. چراکه هر اصلی، اصول دیگر را تکمیل می کند. طبق تعریفی از توسعه پایدار که مورد قبول عام می باشد و جامعه جهانی بر آن وفاق دارد: «توسعه پایدار یعنی قابلیت بشر برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بی آنکه به حق و توان نسل های آینده برای برآوردن نیازهایشان آسیب رسد.^۱ تقریباً همه اصول حقوق بین الملل محیط زیست در جهت اثبات

^۱. گزارش آینده مشترک ما، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه



مفهوم توسعه پایدار به کار می آیند. اصولی از قبیل: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در مواقع اضطراری زیست محیطی، اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست، اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده کننده محیط زیست، اصل جلوگیری و اصل احتیاطی. البته مفهوم توسعه پایدار به طور مستقیم و واضح در میان مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست مثل (مفهوم میراث مشترک بشریت، مفهوم حقوق نسل های آینده) بیشتر از این اصول به چشم می خورد و جهت اجرای توسعه پایدار جهانی تعهد به «اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت» کشورها که از مفاهیم بسیار مهم حقوق بین الملل محیط زیست می باشد، بسیار تاکید شده است. اختلافی که کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر سر پذیرش مفهوم توسعه پایدار دارند، ناشی از این طرز تفکر است که توسعه پایدار را الگویی واحد برای تمام کشورها فرض می کنند. اما تاکید بیشتر اسناد سازمان ملل در خصوص توسعه پایدار بر این است که کشورها بر اساس شرایط خود قوانین شفاف و پاسخگو وضع نمایند. «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت» ریشه در پذیرش مفهوم میراث مشترک بشریت دارد. در واقع این اصل با شناسایی محیط زیست کره زمین به عنوان یک میراث مشترک بر مسئولیت کشورها در حفاظت از محیط زیست از یک طرف و تعهدات متفاوت آنها بر اساس شرایط و اوضاع و احوال و نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه از طرف دیگر تأکید می کند. این اصل به طور گسترده در اسناد حقوق بین الملل محیط زیست از جمله کنوانسیون های زیست محیطی و توافقات سازمان تجارت جهانی به کار رفته و در نتیجه به تحمیل تعهدات متفاوت قراردادی برای کشورهای توسعه یافته شده منجر شده است. تعهدات متفاوت اغلب به دو روش پیش بینی شده اند: (۱) وضع استانداردهای متفاوت برای پیش بینی تعهداتشان؛ (۲) ارائه کمک های مالی و فنی در راستای انجام تعهدات زیست محیطی کشورهای در حال توسعه برای تضمین مشارکت فعال آنها در انجام این تعهدات. بنابراین اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به عنوان تکنیکی بسیار ظریف به همبستگی دولتها برای گردهمایی جهت تصویب کنوانسیون های متعدد بین المللی زیست محیطی و در نتیجه تحقق حاکمیت قانون و توسعه حقوق بین الملل



محیط زیست کمک شایانی کرده است. در واقع تریدی وجود ندارد که در غیاب وجود حقوق و امتیازات ترجیحی ناشی از شناسایی مسئولیت های متفاوت برای بسیاری از دولتها در حال توسعه، عضویت آنها در این اسناد بعید می نمود. علاوه بر کارکرد تکنیکی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در کنوانسیون های مزبور، این اصل به عنوان یک راهنما و زیربنایی به کار گرفته شده است. در اینجا اصل راهنما همان انصاف است. کاربست اصل در این معنا به این واقعیت شناسایی شده باز می گردد که تنها دولتهای در حال توسعه مسئول بسیاری از ویرانی های کنونی محیط زیست کره زمین نیستند، بلکه توانائیها و امکانات آنها برای حفاظت و اعاده محیط زیست به وضع سابق به هیچ وجه با توانائیهای دولتهای توسعه یافته قابل مقایسه نمی باشد. در واقع اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت با منصفانه کردن تعهدات معاهداتی دولتهای در حال توسعه در حوزه حقوق محیط زیست از طریق ایجاد توازن در حل مشکلات زیست محیطی جهانی به تقویت توسعه پایدار این دولتها کمک کرده است. با این همه، اصل مسئولیت مشترک هنوز در روبه قضایی داخلی و بین المللی جایگاه قابل توجهی نیافته است. این امر به نوبه خود می تواند گویای این نتیجه باشد که علیرغم نقش مهم و کلیدی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در توسعه و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست، هنوز به یک قاعده عرفی بین المللی تبدیل نشده است.

نتیجه گیری

در جمع بندی کلی و پایانی پژوهش حاضر باید گفت تحقق بسیاری از حقوق اولیه، از جمله حق حیات و دستیابی به عدالت، اعم از عدالت درون نسلی و بین نسلی، در گرو حفاظت از محیط زیست به مثابه میراث مشترک بشریت، نه تنها به عنوان تدبیری داوطلبانه بلکه به عنوان تکلیف و مسئولیتی خطیر، ضرورت یافته است. تدوین قوانین بازدارنده در خصوص حقوق بین الملل محیط زیست از سوی جامعه بین المللی جهت حفظ ارزش های و هنجارهای زیست محیطی به همراه تأسیس یک دادگاه بین المللی محیط زیست با پیش بینی راهکارهای اجرایی و ضمانت اجرایی مؤثر یعنی پیش بینی مجازات های کیفری و مدنی بازدارنده مناسب، منجر به صیانت از میراث مشترک بشریت و تحقق حمایت کیفری و



اجرای مؤثر حقوق بین الملل محیط زیست خواهد شد. علاوه بر موارد فوق، عدم توجه دولتها به اجرای مسئولیت خود در راستای حفاظت از محیط زیست و اجرایی ساختن حقوق بین الملل محیط زیست، خصوصاً به دلیل ماهیت و مبنای خاص دعاوی زیست محیطی، فقدان تخصص لازم و روند طولانی رسیدگی، ضرورت تأسیس یک مرجع مستقل بین المللی را افزایش می دهد. در واقع بررسی رویه های قضایی در محاکم بین المللی مؤید این مطلب است که حفاظت و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست، با تکیه بر «حق بر محیط زیست سالم» جزء حقوق بنیادین بشری و از مصادیق حقوق بین الملل عرفی است اما به رغم عرفی بودن این حقوق، به دلیل ماهیت حل و فصل این اختلافات و وجود چالش های فراوان، توجه دولت ها به ویژگی های صیانت از این حقوق، در اولویت قرار نگرفته است. تراکم پرونده های مطروحه در نزد قضات در مراجع ذی صلاح بین المللی و عدم آشنایی کافی آنان با مسائل زیست محیطی، این دعاوی را در مقایسه با دیگر دعاوی کیفری، دارای اهمیت ثانویه در نظر قضات کرده است. اهمیت و جایگاه موضوعات محیط زیست، از آنجایی که تنها به اختلافات میان طرف های به خصوصی محدود نشده و اغلب طیف وسیعی از پیامدهای با اهمیت ملی و بین المللی را به همراه دارد، حمایت از این قواعد در حفظ نظم بین المللی از طریق تأسیس یک دادگاه بین المللی کیفری، دارای اهمیت فراوانی است. در حقیقت، ماهیت مسائل مطروحه در این حوزه از حقوق به دلیل ارتباط با حوزه های دیگری همچون مسائل حقوق بشری، سیاست های توسعه ای و اقتصادی، به مسائل روابطی میان دولتها و شهروندان کشانده خواهد شد. در کنار اهمیت این دسته از حقوق، ویژگی های خاص موجود در مسائل مرتبط با مشکلات زیست محیطی و نقش این حقوق در تحقق نظم بین المللی، تأسیس یک دادگاه بین المللی مستقل و آموزش قضات بین المللی در این زمینه را ضروری می سازد. با این حال، به دلیل تفاوت موافقتنامه های زیست محیطی با دیگر معاهدات بین المللی و اینکه این موافقتنامه ها باید پاسخگوی دلایل علمی برای یک مشکل باشند و همچنین تحقق اهداف این معاهدات به دلیل خواسته های متعارضی که روند اجرای معاهدات وجود دارد و غیر مطمئن بودن دلایل و مدارک علمی، زمان بر و هزینه



بر بودن این اقدامات، دولتها را در راستای حفظ این حقوق و اجرای مسئولیت بین المللی شان دچار تردید کرده است. همچنین لازم به ذکر است بی تردید، ایجاد یک نظام قضایی بین المللی کارآمد، مستقل، متمرکز با حضور قضات متخصص در حوزه حقوق بین الملل محیط زیست می تواند محملی برای اعمال و حمایت جدی از اصول و قواعد حقوق اساسی و قواعد عرفی بین المللی باشد. لذا تأسیس چنین دادگاهی، حمایتی گسترده جهت تحقق مسئولیت کیفری بین المللی و مسئولیت مدنی بین المللی بوده و از شکل گیری و گسترش جرایم زیست محیطی که امروزه بزرگترین تهدید برای حق بشری یعنی «حق حیات» است، جلوگیری می کند.



منابع و مأخذ

۱. کردوانی، پرویز (۱۳۷۵)، اکوسیستم های طبیعی-عمومی، ج ۱، چ ۲، تهران، نشر قومس، ص ۴۷.
۲. امیدپناه، پرویز (۱۳۶۴)، اکولوژی علم محیط زیست، چ ۱، جهاد دانشگاهی، اصفهان، ص ۲.
۳. بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی-محیط زیست، ج ۶، چ ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ص ۲۹-۳۰.
۴. جی. تی. میلر (۱۳۷۷)، زیستن در محیط زیست، مجید مختوم، چ ۵، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ص ۸-۶۷.
۵. کردوانی، پرویز (۱۳۷۳)، اکوسیستم های طبیعی-اکوسیستم آبی، ج ۲، چ ۲، تهران، مرکز فرهنگی و انتشاراتی.
۶. نیشابوری، اصغر (۱۳۶۷)، جغرافیای زیستی، چ ۲، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- [۷] Ministry of Environment and Forests Government of India (۲۰۰۹), Conservation and Survey Division, National Wetland Conservation Programme Guidelines for Conservation and Management of Wetlands In India, India: New Delhi.
- [۸] Hawksworth David L., Bull, Alan T (۲۰۰۶) Marine, Freshwater, and Wetlands Biodiversity Conservation: Topics in Biodiversity and Conservation, Vol ۴.
۹. باقر زاده کریمی، مسعود و روحانی روانکوهی، مهبد (۱۳۸۶)، راهنمای تالاب های ایرانی ثبت شده در کنوانسیون رامسر، تهران، انتشارات روز نو.
۱۰. سازمان حفاظت محیط زیست (۱۳۸۹)، برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۱۱. کولایی، الهه و گودرزی، مهناز (۱۳۸۸)، تهدیدهای زیست محیطی دریای مازندران و نقش کنوانسیون تهران در مقابله با آن، مجله علوم محیطی، سال هفتم، شماره اول، ص ۹۴-۶۹.



۱۲. جعفری، کوروش (۱۳۷۵)، بررسی نظام حقوقی دریای مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده وزارت امور خارجه.
- [۱۳] Taylor, James (۲۰۰۸) Environmental Conditions of the Persian Gulf, Uni Press.
- [۱۴] Main Causes for Water Pollution in the Persian Gulf (۲۰۱۱)
Available from: <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp>.
۱۵. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۰)، حقوق بین الملل دریاها و حفاظت از محیط زیست دریایی، بخش دوم، فصلنامه صلح سبز.
- [۱۶] Weiss Edith Brown (۱۹۹۳) International Environmental Law: Contemporary Issues and the Emergence of a new World Order: Georgetown Law Journal.
۱۷. موسوی، فضل الله (۱۳۸۰)، حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه تحقیقی از دانشگاه هاروارد در مجله حقوقی هاروارد، تهران، نشر میزان، ص ۳۶۷.
۱۸. فلاح‌پیشه، شهرز (۱۳۸۵)، نگاهی به برنامه محیط زیست سازمان ملل، مجله فرهنگ و هنر، شماره ۲۵، ص ۲۹.
۱۹. ببران، صدیقه (۱۳۸۵) اصلاح ساختار سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست، مجله راهبرد، شماره ۴۱، ص ۱۶۳.
۲۰. سلیمانی، حسن (۱۳۷۹)، بررسی برنامه محیط زیست سازمان ملل (یونپ)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ص ۳.
۲۱. محسن‌زاده، احمدعلی و دیگران (۱۳۸۸)، حقوق محیط زیست (نظریه ها و رویه ها)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ص ۳۸۰.
۲۲. کیس، الکساندر چارلز و دیگران (۱۳۸۶)، حقوق محیط زیست، جلد سوم، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.
- [۲۳] Farantouris Nikolaos E (۲۰۰۹) The International and EU Legal Framework for The Protection of Wetlands With Particular Reference to The Mediterranean Basin, Mqjicel, Vol. ۶.
۲۴. گل، ابراهیم (۱۳۸۹)، کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل، مسئولیت بین المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل، موسسه مطالعات



و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران.

[۲۵] Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (۲۰۱۳). "Appendices I, II and III". Retrieved September ۱۳, ۲۰۱۳.

۲۶. رابین چرچیل و آلن لو (۱۳۸۷)، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم.

۲۷. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۴) حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۵، ص ۳۲۹.

[۲۸] ROPME publication, Regional Organization for the Protection of the Marine Environment, ۲۰۰۲.

۲۹. رابینسون، نیکلاس، کوروکولاسوریا، لال (۱۳۹۰) مبانی حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه سید محمدمهدی حسینی، تهران، نشر میزان.

[۳۰] JOHN S. GRAY. (۱۹۹۷) Marine biodiversity: patterns, threats and conservation needs., Biodiversity and Conservation ۶, ۱۵۳-۱۷۵.

[۳۱] Alvin Chandra and Anastasiya Idrisova (۲۰۱۱) Convention on Biological Diversity: a review of national challenges and opportunities for implementation., Biodiversity and Conservation ۲۰, ۳۲۹۵-۳۳۱۶.

[۳۲] Martin W. Holdgate (۱۹۹۲) Biodiversity conservation after Rio., Biodiversity and Conservation.

۳۳. رضانی روزی طلب، سعیده (۱۳۸۴)، بررسی مسئولیت دولت ها ناشی از آلودگی غیر نفتی دریاها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم.

۳۴. جمهوری اسلامی ایران، چارچوب ملی ایمنی زیستی، قابل دسترس از طریق:
<http://www.unep.ch/biosafety/development/Countyreports/IRNBFrep.pdf>

۳۵. دبیری فرهاد، عبادی تقی، پورهاشمی سیدعباس، منوچهری نیلوفر (۱۳۸۹)، بررسی ابعاد حقوقی اجرای کنوانسیون POPs در ایران به منظور آرایه چارچوب قانونی برای کنترل آلاینده های آلی پایدار در سطح ملی، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۱۲، ص ۱۴۴-۱۳۳.



۳۶. ممتاز، جمشید (۱۳۸۵)، کنوانسیون چارچوب تهران در خصوص حمایت از محیط زیست دریای خزر، نشریه سیاست خارجی، ج ۸۰، ص ۶۹۰-۶۷۳.
۳۷. محرم نژاد، ناصر (۱۳۷۴)، تغییرات جهانی آب و هوا، فصلنامه محیط زیست، جلد ۷، شماره ۱، ص ۸.
۳۸. قاسمی، ناصر (۱۳۹۰)، مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست ایران، تهران، انتشارات بهنامی.
۳۹. وفادار، علی (۱۳۸۶)، تعهد و مسئولیت دولتها در رعایت محیط زیست، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره ۱، ص ۲۷.
۴۰. کیس الکساندر، اچ پیترسند و وینفراید لانگ (۱۳۷۹)، حقوق محیط زیست، (ترجمه محمد حسن حبیبی)، چاپ اول، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۱. گوندلینگ، لوتار، ای. ای. هلیپاپ، جی. دبلیو، هویسمان و دیناشلتون (۱۳۸۱)، حقوق محیط زیست، (مترجم محمد حسن حبیبی)، چاپ اول، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۲. کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۸۷)، مسئولیت ناشی از خسارت های زیست محیطی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، ص ۳۰۴-۲۸۵.
- [۴۳] Sands, P. (۱۹۹۵) Principles of International Environmental Law vol. I: Framework, Standards and Implementation.
۴۴. روستا، فخرزاحی (۱۳۸۶)، تحلیل مفهوم و الزامات توسعه پایدار در سند ژوهانسبورگ و تاثیر آن بر حقوق محیط زیست ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات